

بررسی انتقادی اعجاز خسروی (جلد سوم)

سید احسن الظفر*

طوطی هند حضرت امیر خسرو نه تنها برای کشور پهناور هند بلکه برای سرتاسر جهان فارسی یک شخصیت برجسته و مایه افتخار است. به علاوه ارادت او به حضرت نظام‌الدین اولیا^(رح) نشان دهنده پایه روحانی او هم است. دانشمندان جهان به ویژه هند بحق در برابر عبقریتش سرفرودمی‌آرند. مولانا شبلی می‌نویسد:

”در هند از ششصد سال پیش تاکنون شخصیتی دارای کمالات مختلف مثل امیر خسرو چشم به جهان نگشوده است و اگر راستش را می‌خواهید حتی در ایران و روم در خلال هزارها سال این چنین شخصیت دارای اوصاف گوناگون به جز چند نفر به ظهور نیامده“^۱.

احوال و آثار امیر خسرو تاکنون مورد بحث و بررسی برخی از دانشمندان برجسته مثل احمد سعید (حیات امیر خسرو)، شبلی نعمانی (بیان خسرو)، وحید مرزا (امیر خسرو) ظ. انصاری (خسروشناسی) و غیره قرار گرفته است. به علاوه بسیاری از مقاله‌ها و گفتارها در این باره نوشته شده است.

در سال ۱۹۸۹-۹۰ میلادی «امیر خسرو سوسائتی آو امریکا» طرحی برای ترجمه انگلیسی اعجاز خسروی اجراء کرد و رسایل آن را در میان چند تن از دانشمندان برای ترجمه به انگلیسی توزیع نمود. جلد سومین آن به استاد محترم پروفیسور محمد ولی‌الحق انصاری و نویسنده این مقاله تحویل شد. بنابر مسئولیت ترجمه آن توانستم

* استادیار بخش فارسی دانشگاه لکهنو، لکهنو.

۱. شبلی نعمانی، شمس‌العلماء محمد شبلی (م: ۱۳۳۲ هـ): بیان خسرو (اردو)، حمیدیه پریس، دهلی، ص ۱۷.

سراسر این کتاب را با کمال دقت بخوانم. لذا مناسب دانستم که موضوع مقاله بنده «بررسی انتقادی اعجاز خسروی (جلد سوم)» باشد. پس از چندی کسانی که کار ترجمه انگلیسی اعجاز خسروی به آنها محول شده بود، نظرهای انتقادی‌شان به صورت کتابچه از طرف انجمن نامبرده به چاپ رسید که خلاصه‌اش به قرار زیر است:

۱. با همه ارادتی که به امیر خسرو داریم وقتی که نثر اعجاز خسروی را می‌خوانیم تصویری از شخصیت امیر خسرو بر صفحه ذهن ما نقش می‌بندد که متفاوت است از ایماژی که پس از بررسی سخنان منظومش ارائه می‌شود.
۲. سبک نثر کتاب خیلی دشوار و پیچیده و مبهم و دقیق و پر از صنایع و بدایع است و از این حیث می‌توان آن را به عنوان نامه‌نگاری ویژه‌ای تلقی کرد.
۳. یکی از عوامل مهم دشواری سبک وی آن است که هدفی که خسرو در اظهار مطالب خود در نظر داشته است همانا فضل فروشی و هنرنمایی اوست نه اصلاح ذهن خواننده و گسترش دادن دایره علم و دانش او.
۴. ربط طبیعی میان جمله‌ها و جزو جمله‌ها کاملاً آشکار نیست یا خیلی کمتر به چشم می‌رسد.
۵. برخی از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به ستاره‌شناسی و علم هندسه و موسیقی‌شناسی و فقه به کار برده شده است که لازم است برای آن یادداشت‌های جداگانه نوشته شود.
۶. در جلد سوم بعضی جمله‌های رکیک و مبتذل هم به کار برده شده است.
۷. نسخه چاپی نولکشور از غلط‌های املائی خالی نیست، لذا در بسیاری جاها فهم عبارت دشوار است و پس از دقت زیاد می‌توان پی به مفهومی برد که نویسنده در نظر داشته است.
۸. نامه‌های فرضی به اشخاص فرضی نوشته شده‌اند و در آن صنایع و بدایع آن قدر به کار برده شده است که سرتاسر نامه معماً می‌شود.

۹. اما در برابر این جنبه‌های منفی، امیر خسرو بدون تردید بر ترکیب‌سازی فارسی و عربی و بندش الفاظ و شعرگویی به زبان عربی و همچنین بر گنجینه‌های واژه‌ها و بر اظهار مطالب خود قدرت فوق‌العاده‌ای دارد^۱.

اما در مقابل این نقدها، نظر پروفیسور وحید مرزا را ملاحظه کنید که دربارهٔ امیر خسرو در پایان‌نامهٔ دکتری خود به زبان انگلیسی نوشته است:

”هدف بزرگ این اثر همانا ارائهٔ نمونه‌های نثر مرصع و مزین و آشکارکردن کاربرد صنایع و بدایع گوناگون است. و بدین ترتیب، این اثر اگر از سویی سبک‌اش را در کشور نثر متداول محقق می‌کند، همان‌طور که در کشور شعر هست، از سوی دیگر الگوی معیاری برای تقلید نثرنگاران آن عهد هم تهیه می‌کند. این است که امروز پس از ششصد سال شاید کمتر کسی همّت و حوصله داشته باشد که این اثر را بخواند تا چه رسد به فهمیدن مطالب و نکات آن و بهره‌گیری از آن. زمان عوض شده، ذوق و قریحه هم عوض شده. چیزی که در آن هنگام مقبول بود امروز مردود است و سخنی که در آن هنگام رواج داشت امروز ارزش خود را از دست داده است. منتقد این دوره اگر این اثر خسرو را بخواند نخستین نقشی که بر صفحهٔ ذهنش ثبت خواهد شد این است که خسرو به ناحق این تلاش‌ها کرد و این دفتر بی‌معنی نوشت. ولی اگر صبر و دلسوزی را به کار برده تلاش کند تا مزیت‌های اعجاز خسروی را دریابد، یقین است اثر خسرو به نظرش فضول و بی‌معنی جلوه نخواهد کرد و این کاوش‌های ادبی لغو نخواهد بود، زیرا نمونه‌هایی از سبک‌های بهترین نثر آن زمان در آن یافته می‌شود که به ویژه در بررسی ارتقای نثر فارسی در هندوستان سودمند خواهد بود و به بسیاری از اطلاعات مربوط به لغت و ادب و جامعه می‌توان

۱. اسم‌های مترجمان اعجاز خسروی، پروفیسور سید طارق حسن، پروفیسور اسلوب احمد انصاری (جلد اول)، آقای مقبول ایچ. خان (جلد دوم)، پروفیسور محمد ولی الحق انصاری و دکتر سید احسن الظفر (جلد سوم)، پروفیسور اقتدار حسین صدیقی (جلد چهارم)، پروفیسور شریف حسین قاسمی (جلد پنجم).

پی برد که در سراسر کتاب به طور پراکنده وجود دارد و نشان دهنده احوال و کویف آن عهد است.

خسرو ادعا کرده است که در نثر اعجاز خسروی سبکی را پیش گرفته است که اختراع و ایجاد خود اوست ولی در مقدمه رساله اول می نویسد که در هند سبک تازه نثر به مرحله ارتقا رسیده است که در آن صنایع و بدایع طوری به کار رفته که در آب گلاب به کار برده می شود. او خواسته است نمونه های اعلی از این سبک را در این اثر ارائه دهد. بدیهی است که خسرو نمی توانست به گرایش عمومی عهد خود که در نوشته های نویسندگان معاصرش وجود داشته است بی اعتنایی نشان دهد.^۱

باز می گردم به موضوع خود. در مقدمه جلد سوم این اثر، خسرو توضیح می دهد: "الرسالة الثالثة من رسائل الاعجاز في اللطائف من المصنوعات تشتمل على خطين. خط اول در صنعت های قدیم و تصرف در آنها به رسم جدید. مشتمل بر دوازده حرف. خط دوم در صنعت های جدید وضع خسرو، مشتمل بر پانزده حرف. چون بوقلمونی خواهد که در این طرزنگارشی کند او را مخیله باید به غایت باریک انگیز، تا به شکل نقاشان چیره دست موی دقیق بر سر قلم بندد و خیالات موجه و مصورات ذوالوجه و نمونه های جدید و مثال های غریب بر روی صفحات تحریر کند. از ادای رنگ آمیزی تصحیف و تجنیس و دیگر مصنوعات لفظی که چهره لطایف را به گلگونه تکلف ملون گرداند، علی رغم رنگ آمیزان که ترک مصنوعات لفظی را از عجز کاتب صورت خواهند کرد، در هر صنعت نامه درازنگارش کردم. بیت:

تا نقش مرا اهل معانی چو ببینند حیران شده چون صورت دیوار بمانند^۲

خسرو در این مقدمه هم موضوع و هم هدف خود را کاملاً روشن کرده است. او در همین رساله شعر زیر را نوشته است:

مسوز شمع تکلف چو نور معنی نیست که ماه نخشب، چون ماه آسمان نبود

1. *The Annotated Translation of Ameer Khusro's Ijaz-i-Khusravi*: The project: Nov. 1990.

۲. وحید مرزا: امیر خسرو، مطبوعه هندوستانی آکادمی، اله آباد، ۱۹۴۹ م، ص ۳۰۲ و ۳۰۴.

هدف خسرو از این شعر، چنانکه روشن است، این است که در کاربرد صنایع و بدایع لفظی و معنوی نویسندگان عموماً تکلف و تصنع را پیش می‌گیرند و به مطالب و معانی کمتر توجه می‌کنند. تنها اظهار قدرت بر کاربرد صنایع و بدایع در نظرشان است و تفاوت است بین کاربرد صنایع به تکلف و کاربرد صنایع بلا تکلف، همانا تفاوت ماه نخشب که ماه مصنوعی است و ماه آسمان که ماه طبیعی است.

خسرو حتماً این شعر را برای نویسندگان دیگر گفته است ولی او خودش گرفتار همین گونه عیب شده است. در کاربرد صنایع و بدایع عبارت‌آرایی‌هایی کرده است که اغلب باهم یا ربط طبیعی ندارند یا کمتر دارند و هیچ نکته مهمی به دست نمی‌آید، و القاب و آداب را آن قدر طول داده است که حاصل آن جز تزیین اوقات چیزی دیگر نیست. خسرو در صنایع و بدایع قدیم تصرفات هم کرده که حتماً دارای ارزش است. به علاوه چندین صنعت ایجاد کرده خود اوست که آن را به تعریف و مثال‌ها ارائه کرده و نمایانگر هوش و استعداد وی است، ولی آنچه به عنوان مثال‌ها و اندیشه‌های بکر آورده است مصداق کوه‌کندن و کاه‌آوردن است. اگر این صنایع و بدایع را طوری به کار می‌برد که از آن نکته مهمی از ادب یا تاریخ یا جامعه به دست می‌آمد، اعجاز خسروی حتماً یک اثر ارزنده می‌شد، حال آن که در مقدمه این جلد ادعا کرده است که در آن اندیشه‌های پسندیده، ایماژهای چند جنبه‌ای و مثال‌ها و نمونه‌های غریب خواهد کرد تا آنجا که در شعری می‌گوید:

مِمَّا نَعَرَّ عَلَى الْقِرطاسِ مِنْ قَلَمٍ وَ لَا يُصَوِّرُ فِي الْأَذْهَانِ وَ الْفِكْرِ

یعنی آنچه از خامه‌ام بر صفحه کاغذ ثبت می‌شود تصور آن در صفحه‌های ذهن مردم و نیروی اندیشه‌شان نگذشته است. ولی حقیقت این است که جز اظهار قدرت فوق‌العاده بر کاربرد صنایع و بدایع مختلف هدف دیگر در نظر نداشته است. در زیر چند مثال ارائه می‌شود:

”نامه اندر صنعت تجنیس‌بین. عنوان این نامه باب‌ها، که کلید باب‌های معانی است، خواجه اجل بهاء‌الدین - أَجَلَهُ اللَّهُ - فتح فرماید: تَحْمِيدُهُ أَحَدٌ لِمُرْسَلِ أَحْمَدِ.
شعر:

جِئْتُ ذَا شَرَفٍ خُلِقَ الْأَنَامُ لَهُ وَ الْأَجْدُ قَبْلَ تَعْظِيمِهَا أَنَامِلَهُ

به خدمت افضل فضلاء العصر، مستنبط ربّ المعانی بالعصر، بهاء الدین المدینی، شرف شرف الدین، مقبول الخواص و العوام، مشهور الشهور و العوام، اکرّمه اکرّم الاکرمین، آمین آمین، مخلص خالص اعتقاد، بهادر چینی، که پیوسته از کرم بهادر چینی کرده است، خدمتی که بی‌زاری نبود، با دویستی که بی‌زاری نباشد، می‌رساند و در یاد لقای آن دریا دل، قادر قلم، شب و روز، در دست غم و درد است.

”یکی رئیس مازندران، که ما زن در آن خانه دیده‌ایم، که سوی شوی سنگی اندازد و سبکی کند. دوّم زین بی‌زینت، که پیشه جفا پیش گرفته است. سوم احمد احمق، که روز و شب یا در جوز است یا جوزا، به گاه نگاه همه جوزش بی‌مغز. این هر دو سه کس است، که ... است، هر دم در دم آن غریبان هندوستانی در نشسته‌اند، و دمامد برایشان می‌روند و پریشان می‌گویند، و عبارت براعت‌خویش پیش ایشان عرضه می‌کنند.“

”بنگر این است نامه ترصیح، امام معظّم اعظم، همام مکرم اکرّم، خیر ادریس عمل، نیر برجیس محل، حاکم والامقام، حاتم دریا غلام، شهاب الملة الزاهرة، نصاب الدولة القاهرة، مرجع الفحول و الاجلّه، منبع العقول و الادله، ابدالحلیم بنیان حلمه، ایدالعلیم بنیان علمه، دوست نغز وفا، پوست مغز صفا، نصیر حسن عراقی، اسیر محن فراقی، سربندگی در پایین آستان به جاندهی فروکرد و بر زندگی بر آیین راستان از آن مهی نکو خورد. معلوم آن یگانه آزاداد، و مفهوم آن بطانه آباد باد.“

”بین نامه ملمّع و نسبت در و زر، زیور سیم پیشانی، و پیرایه سیمای نورانی، خواجه زرفشان، حاتم نشان، ملک التجار، عین الدولة و الدین، عزیزالاسلام و المسلمین، تاج الملوک و السلاطین، کلید گنج‌های کشاد، و گنجور خزینه‌های مراد، مخزن اللطاف و الاحسان، معدن المکارم فی الأرجاء و الأركان، دوستان چون حروف سیم پیوسته باهم پیوسته، و دشمنان چون نقش زر بی‌گسست از هم گسسته“^۱.

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: اعجاز خسروی، نولکشور، لکهنو، ۱۸۷۶ م، رساله ثالثه، ص ۲، ۳.

منابع

۱. خسرو دهلوی، امیر خسرو بن امیر محمود: اعجاز خسروی، رسالهٔ ثالثه، نولکشور، لکھنؤ، ۱۸۷۶ م.
۲. شبلی نعمانی، شمس‌العلماء محمد شبلی (م: ۱۳۳۲ هـ): بیان خسرو (اردو)، حمیدیه پریس، دہلی.
۳. وحید مرزا، دکتر: امیر خسرو، مطبوعهٔ ہندوستانی آکادمی، الہ آباد، ۱۹۴۹ م.
4. *The Annotated Translation of Ameer Khusro's Ijaz-i-Khusravi: The project*, Nov. 1990.